

گزارش کوتاه از تهران

صدای شلیک هوایی فضای اعتراض را شکاند

ندا آقاسلطان یکی از دوستانمان شهید شد
دهها نفر تاکنون کشته و صدها تن مجروح شدند



صبح که از خانه آمدم بیرون سکوت مرگباری را درچهره آدم ها دیدم. وقتی به محل کارم رسیدم کسی پشت میزش نبود همه دریک اتاق دور کامپیوتر جمع بودند وگریه می کردند. تصاویری از جان دادن دانشجوی اصفهانی را از طریق اینترنت می دیدند. در طول روز به سختی می شد وارد اینترنت شد. از خبر گذاشتن در facebook هم منصرف شدیم چون دارند دانه دانه را شناسایی می کنند. بعضی ها کمی ترسیدند می گفتند نروید خیابان می کشند.

اما طاقت نیاوردم. دوتا دوتا به نقاط مختلف شهر رفتیم. نرسیده به میدان ولیعصر تجمع بود و هر لحظه زیادتر می شد. دست ها رفت بالا. صدای الله اکبر پیچید. نیروهای ضد شورش، لباس شخصی ها و صدها نفر از نیروهای امنیتی از خیابان هفت تیر تا ولیعصر مستقر شده بودند. دوباره دست ها رفت بالا این بار صدای الله اکبر جای خود را به شعار "مردم حمایت" داد. مردم تماشاچی به جمع پیوستند.

صدای شلیک هوایی فضای اعتراض را شکانداز هر طرف حمله کردند. بوی گاز اشک آور درفضا پیچید. دوباره دنبال سیگار می گشتیم. از این کوچه به آن کوچه. اما به خانه برنگشتیم. کمی خودمان را تکاندیم و دوباره برگشتیم سمت میدان ولیعصر. نیروهای ضد شورش سعی می کردند مردم را فراری بدهند اما لباس شخصی ها با اسلحه، چاقو و چماق می زدند. در خیابان های فرعی منتهی به میدان فلسطین بقایای سطل های زباله زبانه می کشید. مردم از خانه هاشون آمده بودند بیرون وبا هم بحث می کردند.

حدود ساعت ۸ شب به میدان هفت تیر رسیدیم. دور تا دورمان پر از نیروهای مختلف رژیم بودند. پای رفتن داشتیم و نه می شد ایستاد. مدتی آن حوالی پرسه زدیم. خبر دادند که ندا آقاسلطان یکی از دوستان مان کشته شده.

وقتی رفتم خانه مردم با الله اکبر از پشت بام اعتراض شان را بار دیگر اعلام کردند. روز گذشته پلاک ۵۰ ماشین را کردند و راننده ها را بازداشت کردند چون دراعتراض به درگیری ها بوق ممتد می زدند.

تمام شب بچه ها زنگ می زدند و خبر ها را می گفتند.....
طبق شنیده ها ۱۹ تن از افراد سپاه پاسداران نزدیک به میرحسین موسوی بازداشت شدند.
فضای بگیر و بندها همچنان ادامه دارد. می خواهند فضا را کاملاً امنیتی کنند اما بنظر نمی
رسد بتوانند اوضاع را به این زودیاها آرام نمایند. موسوی و کربوبی بدنبال مردم راه افتادند اما
رضایی به طرف رهبر خزید. هرروز مسائل و اختلافات روشنتر میگردند.....
اوضاع خیلی شبیه به روزهای آخر رژیم شاه است، گریه خامنه ای، دستور سرکوب مردم،
حمله گارد شاهنشاهی به تظاهرکنندگان ایران آستان حوادث مهمی است، جوانان ایران دل
شیردارند چه بی باکانه برای آزادی می جنگند.....به امید پیروزی

نقل ازتوفان الکترونیکی شماره ۳۵ تیرماه ۱۳۸۸ ارگان الکترونیکی حزب کارایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org